

تغییرات، ویژگی‌ها و موانع ازدواج در استان گیلان با تأکید بر شهرستان رشت

محمدحسن مقدس جعفری*
علی یعقوبی چوبری☆

جمعیت‌شناسان، جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان و سایرین هر یک از ابعاد و مناظر مختلف به سیر تاریخی، ابعاد، ویژگی‌ها و موانع و مشکلات ازدواج پرداخته و به صورت بین رشته‌ای آن را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند.

مقاله حاضر، بخشی از پژوهشی است که به بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در بالا رفتن سن ازدواج جوانان شهر رشت پرداخته است. پرسش اساسی مقاله مذکور آن است که روند تغییرات، ویژگی‌ها، چالش‌ها و موانع ازدواج در سطح استان گیلان و شهرستان رشت چگونه است؟

روش تحقیق در پژوهش مورد بررسی، به صورت اسنادی و پیمایشی است. جامعه آماری در بخش پیمایشی، شامل کلیه پسران و دختران ازدواج نکرده در گروه سنی ۲۵-۳۹ ساله شهر رشت بوده است. روش گردآوری اطلاعات در بخش اسنادی، استفاده از اسناد و مدارک ثانویه موجود در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان و در بخش پیمایشی، از طریق پرسشنامه حاوی پرسش‌های باز و بسته انجام گرفته است.

نتایج به دست آمده از اطلاعات اسنادی و تجربی نشان می‌دهند که درصد ازدواج تحت تأثیر عوامل و پدیده‌های طبیعی و سیاسی کلان چون زلزله، انقلاب و جنگ و نیز عوامل اجتماعی میانه و خرد، مانند نداشتن شغل مناسب، نداشتن درآمد کافی، فقدان مسکن، مشکلات تحصیلی، نیافتن همسر دلخواه، بالا بودن هزینه ازدواج، مهریه و جهیزیه، افزایش سطح توقعات زوج‌ها و خانواده‌ها، داشتن برادر و خواهر بزرگ‌تر و مجرد، عدم حمایت مؤسسات دولتی، تردید در تصمیم‌گیری و نظایر آن قرار دارد.

واژگان کلیدی: ازدواج، تغییرات ازدواج، ویژگی‌های ازدواج، موانع ازدواج، رشت، گیلان

مقدمه

خانواده و ازدواج ضمن بر عهده داشتن کارکردها و وظایف خاص همواره اهمیتی ویژه در جوامع بشری داشته و از پشتیبانی و حمایت ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده اجتماعی و مذهبی برخوردار بوده‌اند. بررسی سیر تحولات جوامع نشان داده است که خانواده و ازدواج نیز به عنوان نهاد اجتماعی در جریان این تغییرات دچار دگرگونی شده و ساختی نوین پیدا کرده‌اند. گذشته از این‌که ازدواج در طول تاریخ جوامع انسانی تغییرات مستمر به خود دیده و اشکال و انواع مختلفی پیدا کرده است، در یک زمان معین نیز ویژگی‌هایی برای آن می‌توان یافت که از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است.

هدف از انجام پژوهش حاضر، شناخت روند تغییرات، ویژگی‌ها و موانع ازدواج در سطح استان گیلان، به ویژه شهر رشت است.

از سوی دیگر، علل اساسی و مهمی که ضرورت انجام چنین پژوهشی را ایجاب کرد، کاهش پیش‌رسی، عمومیت و میزان ازدواج و افزایش شاخص میانگین سن ازدواج در کل کشور، استان گیلان و نیز شهر رشت بود. شاخص میانگین سن ازدواج در بین مردان کل کشور در سرشماری ۱۳۶۵، ۲۳/۶ سال بوده است که در سرشماری ۱۳۷۵ به ۲۵/۶ سال افزایش یافته است. در شهرستان رشت نیز در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ میانگین سن ازدواج مردان از ۲۴ به ۲۵/۶ سال افزایش داشته است. شاخص متوسط سن ازدواج زنان نیز از ۱۹/۸ سال در سرشماری ۱۳۶۵ به ۲۲/۴ سال در سرشماری ۱۳۷۵ در کل کشور افزایش داشته است و در شهرستان رشت نیز متوسط سن ازدواج زنان از ۲۱/۵ در سال ۱۳۶۵ به ۲۳/۶ سال در سرشماری ۱۳۷۵ افزایش یافته است (مرکز آمار ایران ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵). چنان‌که ملاحظه می‌شود، در این دوره ده ساله حدود دو سال به متوسط سن ازدواج زنان نیز افزوده شده است.

از بعد کارکردی هر چه درصد افراد ازدواج نکرده افزایش یابد، بر درصد افراد تک‌زیست نیز افزوده می‌شود و این امر مسائلی چون انزوا و زندگی حاشیه‌ای را به دنبال می‌آورد و روان‌پریشی‌های اجتماعی را تشدید می‌کند. افزایش سن ازدواج به ویژه در مورد زنان، فاصله بین فراغت از تحصیل و ازدواج را بالا می‌برد و بر طول دوران فراغت جوانی و نوجوانی می‌افزاید، در صورتی که راه‌های سالم و کم‌هزینه‌ای برای گذران اوقات فراغت آنان تدارک دیده نشود، مسائل خاص دوران جوانی را تشدید می‌کند (زنجان ۱۳۸۰: ۵).

شناخت و بررسی شاخص‌ها، ویژگی‌ها و چالش‌های ازدواج مستلزم تحقیقات کاربردی است. مضافاً این‌که از نتایج و داده‌های تحقیق مزبور و تحقیقات مشابه، متصدیان و متولیان

فرهنگی کشور می‌توانند در جهت برون رفت از وضعیت موجود در عرصه تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری استفاده کنند.

مروری کوتاه بر پیشینه نظری پژوهش

ازدواج در میان جوامع بشری دارای سابقه‌ای طولانی است، به گونه‌ای که همزمان با پیدایش نخستین انسان در کره زمین، ظهور آن را نیز شاهدیم. بر اساس گفته‌های صاحبان ادیان نخستین ازدواج بین آدم و حوا به وقوع پیوسته است. از سوی دیگر، این امر مورد توجه علما و فلاسفه یونان باستان قرار داشته است، چنان که به زعم افلاطون برای آنکه یک جمهوری خوب سازمان پیدا کند، قوانین اصلی آن باید قوانینی باشد که زناشویی را سازمان بخشد (ساروخانی ۱۳۷۰، ۳۲). ارسطو نیز در زمینه ازدواج نظریات گوناگونی دارد. وی عقیده دارد آن فردی که از ابتدا خانواده را ایجاد کرد، از بزرگ‌ترین نیکوکاران عالم بود، زیرا انسان وقتی در جامعه خود قانونی نداشته باشد، رفتاری در حد حیوانات خواهد داشت. از نظر وی خانواده اولین سیر تحولی جامعه و دولت عالی‌ترین مرحله تحولی آن است. نکته مهم این‌که وی حتی به سن مطلوب در امر ازدواج زوجین نیز پرداخته است، به طوری که اشاره می‌کند بهترین سن ازدواج برای مردان ۳۷ سالگی و برای زنان ۲۰ سالگی است. علت آن را هم در این می‌داند که هر دو پس از مدت معینی از تولید نسل باز می‌مانند و زمینه اختلاف کمتر مطرح می‌شود، چون زن در پنجاه سالگی و مرد در هفتاد سالگی قدرت تولید نسل خود را از دست می‌دهند (محسنی ۱۳۶۸: ۹۷ و ۹۸). به طور کلی، جامعه‌شناسان عنصر اساسی در تعریف ازدواج را برخوردی دراماتیک بین فرهنگ و طبیعت دانسته و آن را «یک پدیده تام اجتماعی»^۱ تلقی می‌کنند که دارای ابعاد و زوایای مختلف جسمانی، فرهنگی، اجتماعی، حقوقی و اقتصادی است (کیسی^۲ ۱۹۸۹: ۶۹). از این رو، تأخیر در ازدواج به عنوان یک مسئله اجتماعی توسط صاحب‌نظران مختلف اقتصادی و اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. به نظر اقتصاددانان در دوره‌های رواج و رونق اقتصادی مردم بیشتر ازدواج می‌کنند (بهنام ۱۳۴۸: ۲۱۹) و در دوره‌های رکود و به طور کلی بحران‌های اقتصادی و بدی محصول و نیز بحران‌های سیاسی و طبیعی چون جنگ، انقلاب، زلزله و نظایر آن ازدواج به تأخیر می‌افتد (سگالن ۱۳۷۰: ۸ و ۱۲۷). از سوی دیگر، برخی از جامعه‌شناسان مانند بودون^۳ و کروزیه^۴ معتقدند که نقش‌ها آن‌چنان با دقت و صراحت تعریف نشده‌اند، بلکه از دامنه تغییرپذیری برخوردار هستند (بودون

1. Social total phenomenon

2. Casey

3. R. Bodon

4. M. Crozier

۱۳۷۰: ۱۱۱). هر کنشگری دارای ذهنی است که می‌تواند مناسب‌ترین راه‌حل را برای طرحش محاسبه کند (کیوی ۱۳۷۰: ۲۵۴). اینک بر اساس اصل دامنه‌پذیری نقش‌ها، موقعیت اقتصادی و اجتماعی زنان تغییر کرده است. علاوه بر این، بر اساس اصل نظام ترجیحات، پدران در برخی از افسار اجتماعی، برای این‌که حادثه طلاق دخترانشان به پرستیژ اجتماعی آن‌ها لطمه نزنند، مهریه سنگین طلب می‌کنند که این خود سبب افزایش جهیزیه و سنگین شدن نقدینه و مخارج عقد و عروسی می‌شود و طبعاً ضرورت داشتن درآمد بیشتر را ایجاب می‌کند. لزوم داشتن درآمد بیشتر دارای پیامدها و آثار و نتایج ناخواسته‌ای می‌شود که موانع و تأخیر در سن ازدواج یکی از تبعات آن است (صدیق اورعی ۱۳۷۴: ۲۹).

برخی معتقدند که ازدواج یک تبادل است، با وجود تغییر و تحولات اجتماعی، اصل مبادله اجتماعی تغییر نکرده و ازدواج همیشه و هم‌اکنون و احتمالاً در آینده «مبادله اجتماعی»^۱ خواهد بود، اما چیزی که تغییر می‌کند به دو نحو ممکن است اتفاق بیفتد (همان: ۷۶)

الف. ارزش‌های مورد تبادل ممکن است تغییر کند

ب. سطح اجتماعی مبادله تغییر کند

هرچند تئوری‌های مطرح شده به بررسی پاره‌ای از بخش‌ها و زوایای ازدواج می‌پردازند، ولی از جامعیت کافی برخوردار نیستند. بهترین و مناسب‌ترین تئوری مربوط به تأخیر ازدواج نظریه کارکردگرایی ساختی^۲ به‌ویژه اندیشه‌های پارسونز^۳ و جانسون^۴ است که در آن مسئله بالا رفتن سن ازدواج تابع عدم تعادل و هماهنگی بین عناصر درون خرده نظام اقتصادی است که شامل عدم توازن و تعادل بین بلوغ اقتصادی از یک سو و بلوغ جنسی از طرف دیگر و نیز عدم هماهنگی میان خرده نظام اقتصادی از یک طرف و خرده نظام فرهنگی از طرف دیگر است که باعث می‌شود میان بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی و اجتماعی جوانان تعادل و هماهنگی وجود نداشته باشد. نکته مهم این‌که در گذشته به علت نوع حرفه‌آموزی و سازمان‌های اجتماعی‌کننده کودکان و نوجوانان، بلوغ اقتصادی آن‌ها تقریباً با بلوغ جنسی و عاطفی‌شان هم‌زمان اتفاق می‌افتاد، ولی در دهه‌های اخیر در جامعه ما تحولات برون‌زایی در شرایط محیطی و به دنبال آن در ارزش‌ها و هنجارها اتفاق افتاده است (اکرم‌ن^۵ ۱۹۲۷: ۱۷۶). لذا اکنون ما شاهد عدم تعادل و ناهم‌زمانی میان بلوغ جنسی و عاطفی از یک سو و بلوغ اقتصادی و اجتماعی از سوی دیگر هستیم و این مسئله نزد پسران به وضوح دیده می‌شود و تأخیر در بلوغ اقتصادی - اجتماعی پسران است که بر ازدواج دختران هم تأثیر می‌گذارد.

1. Social exchange

2. Structural functionalism

3. Parsons

4. Janson

5. Ackerman

از نظر لنسکی، عوامل زمینه‌ساز مسائل اجتماعی در دنیای اجتماعی عبارت‌اند از:

۱. پیشرفت‌های عظیم تکنولوژیک در قرن حاضر و در نتیجه انقلاب در حیطه خواست و انتظارات.
۲. شتاب فزاینده شهرگرایی و شهرنشینی و مسئله تطبیق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مهاجران عظیم روستایی با زندگی شهری.
۳. گسترش وسایل ارتباط و حمل و نقل در سطح ملی و بین‌المللی و نتیجتاً تحول عظیم در جابه‌جایی و تماس.
۴. سیستم‌های ارزشی متعارض در دنیای پرارتباط امروزی (میرزایی ۱۳۸۰: ۱۴).

بدین ترتیب، مجموعه عوامل و زمینه‌های فوق می‌تواند موانع و مشکلاتی در عرصه ازدواج جوانان به وجود آورد.

روش و سؤالات تحقیق

این پژوهش بر اساس مطالعات اسنادی و پیمایشی صورت پذیرفته است. در بخش اسنادی، به کمک اسناد و مدارک ثانویه موجود در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اطلاعات لازم در خصوص روند تغییرات و ویژگی‌های ازدواج در استان گیلان و شهرستان رشت به دست آمده و در بخش پیمایشی نیز، جامعه آماری شامل کلیه پسران و دختران ازدواج نکرده گروه سنی ۲۵ تا ۳۹ ساله شهر رشت است که تعداد آنان حدود ۱۶۶۷۶ نفر بوده است از تعداد مذکور ۲۷۰ نفر از طریق فرمول نمونه‌گیری انتخاب شدند که ۱۸۰ نفر آن‌ها را مردان و ۹۰ نفر باقی مانده را زنان به نسبت تعداد کل جامعه آماری تشکیل می‌دهند. شیوه نمونه‌گیری نیز ترکیبی از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و خوشه‌ای و زمان این پیمایش سال ۱۳۷۷ بوده است. تکنیک جمع‌آوری اطلاعات در بخش پیمایشی پرسشنامه بوده که پس از احتساب روایی و پایایی آن بین افراد نمونه آماری توزیع شد. جهت توصیف اطلاعات در مقاله مذکور، از جدول فراوانی، درصد فراوانی، درصد تغییرات و جدول ماتریس با توجه به ضریب امتیازبندی (رفیع‌پور ۱۳۷۴: ۲۴۹) استفاده شده است.

سؤالاتی که این پژوهش به دنبال پاسخ آن است عبارت‌اند از:

۱. تغییرات ازدواج در استان گیلان و شهرستان رشت چگونه بوده است؟
۲. پیش‌رسی ازدواج در استان گیلان و شهرستان رشت چگونه است؟
۳. عمومیت ازدواج در استان گیلان و شهرستان رشت چگونه است؟
۴. میانگین سن ازدواج در استان گیلان و شهرستان رشت چگونه است؟
۵. موانع و چالش‌های موجود در سطح کلان و خرد در خصوص ازدواج در استان گیلان و شهرستان رشت چه هستند؟

یافته‌های تحقیق

در این قسمت ابتدا بر اساس مطالعات اسنادی سیر تاریخی تغییرات ازدواج در استان گیلان بررسی و شاخص‌های پیش‌رسی ازدواج، عمومیت ازدواج و میانگین سن ازدواج در استان گیلان و شهرستان رشت بر اساس داده‌های سرشماری‌ها ارائه خواهد شد. سپس به بیان نتایج حاصل از داده‌های پیمایشی پژوهش با تأکید بر موانع ازدواج در شهر رشت پرداخته خواهد شد.

سیر تاریخی و روند تغییرات ازدواج در استان گیلان

متأسفانه تاکنون تحقیقات ویژه‌ای در زمینه ازدواج و روند تاریخی آن در سطح استان گیلان صورت نگرفته است، ولی غالباً همان حوادث و عواملی که در روند اجتماعی و سیر تاریخی ازدواج در سطح کشور در جریان بوده، در استان گیلان نیز وجود داشته است.

از آنجایی که در گذشته اقتصاد استان گیلان مبتنی بر کشاورزی بود و غالب جمعیت استان را جمعیت روستایی تشکیل می‌داد که این جمعیت طبعاً به نیروی انسانی برای انجام فعالیت‌های زراعی نیاز داشت. از یک سو تأکید دین اسلام و شعائر و عادات اجتماعی به انجام رسم ازدواج و از سوی دیگر بالا بودن نسبی سطح زندگی دهقان گیلانی نسبت به سایر نقاط کشور، می‌توان گفت که عمومیت و پیش‌رسی ازدواج بیش از میزان فعلی بوده است. به علاوه، والدین به ویژه خانواده‌های فقیر و نادار، دختران خود را به خاطر ترس از گزند اربابان و مخدومین یا به علت فقر مادی در سنین پایین وادار به ازدواج می‌کردند. در دوران پس از بلوغ نیز در بسیاری از موارد ازدواج اجباری بود و با تمایل والدین صورت می‌گرفت (میرابوالقاسمی ۱۳۵۱: ۲۳ و ۲۲). نکته مهم این‌که ازدواج زودرس زنان و فعالیت شدید آن‌ها در امور زراعی زمینه ازدواج مجدد را برای مردان فراهم می‌کرد. سیف در این باره می‌نویسد:

«اشاراتی وجود دارد که دهقان گیلانی معمولاً بیش از دو زن ندارد، یکی جوان و یکی هم پا به سن گذشته» (سیف ۱۳۷۳: ۹۷). این امر نشان می‌دهد که وجود زنان متعدد خود به معنای افزایش نیروی کار و کسب درآمد بیشتر بود. از سوی دیگر، میزان مهریه نیز در اواخر قرن ۱۳ (ه ق) در میان طبقات مختلف متفاوت بوده است، اما عموماً از ۵۰ تومان تجاوز نمی‌کرد (تجاوز از این مقدار نشانه خان‌زاده بودن به حساب می‌آمد). گاه به خاطر پاره‌ای از ملاحظات شرعی، زنان مهریه خود را به شوهران می‌بخشیدند (میرابوالقاسمی ۱۳۵۱: ۴۴۱).

در مورد انتخاب همسر در روستاها و حتی در شهرهای کوچک گیلان، دختران و پسران یکدیگر را خوب می‌شناختند و اغلب همسران خود را در جریان برخوردها و در مراسم عمومی همچون نوروز و محرم و عروسی‌ها و در بازارهای هفتگی انتخاب کرده‌اند و می‌کنند.

ذکر این نکته لازم است که قبلاً در شهرهای بزرگ‌تر که خانواده‌ها برای یکدیگر شناخته شده نبودند، پیشنهاد و شناسایی دختران غریبه معمولاً توسط واسطه‌هایی انجام می‌شد که بیشتر مشاطگان، سلمانی‌ها و کارگران حمام بودند و اینک نیز، با کم و بیش تفاوت‌هایی وضعیت مشابهی نسبت به گذشته وجود دارد (اصلاح عربانی ۱۳۷۴: ۴۴۱). نکته مهم در زمینه میزان ازدواج در استان گیلان است. همان‌طوری که اشاره شد، طبعاً در گذشته میزان آن بیش از زمان کنونی بوده است، اما اگر نگاهی دقیق به ارقام ازدواج از زمان وقوع انقلاب اسلامی تا زمان فعلی بیندازیم ملاحظه می‌شود که تعداد ازدواج‌های ثبت و گزارش شده طی دوره مورد بررسی با نوسانات مختلفی روبه‌رو بوده است که این نوسانات معلول شرایط و حوادث مهمی چون وقوع انقلاب اسلامی در ایران، پدیده جنگ تحمیلی، وقوع زلزله و شرایط اقتصادی است.

همان‌طور که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، می‌توان گفت که سال ۱۳۵۷ که مصادف با وقوع انقلاب اسلامی ایران بود، اثرات مثبتی بر روی میزان ازدواج گذاشته است، به‌طوری که ما شاهد افزایش ۱۰۵۶۰ فقره ازدواج در سال ۱۳۵۸ نسبت به سال ۱۳۵۷ هستیم که ۸۶/۵ درصد رشد را نشان می‌دهد. تعداد ازدواج در فاصله سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲، علی‌رغم افزایش جمعیت با ثبات نسبی روبه‌رو بوده است. نکته مهم این‌که وقوع جنگ هشت ساله نیز اثرات منفی بر روی میزان ازدواج گذاشته است. به‌طور کلی ما شاهد افزایش ۳۷۷۶ فقره ازدواج در سال ۶۸ نسبت به سال ۶۷ هستیم که ۲۰/۶ درصد رشد را نشان می‌دهد، زیرا با پایان یافتن جنگ تحمیلی نیروهای جوان و مجردی که دوران خدمت در جبهه‌ها را سپری می‌کردند مجال تشکیل خانواده یافته‌اند و شرایط اجتماعی نیز به این امر مساعدت کرده است. در نتیجه، ارقام ازدواج در سال ۶۸ بالاتر از سنوات قبل بوده است. نقطه اوج ازدواج‌های ثبت شده در استان گیلان مربوط به سال ۱۳۷۰ است. در این سال، ۲۶۴۰۶ فقره ازدواج به ثبت رسیده است که حدود ۱۰/۶ درصد رشد را نسبت به سال ۶۹ نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد این گشایش، نتیجه غیرمستقیم زلزله سال ۱۳۶۹ و بازسازی سال ۱۳۷۰ بوده است. در فاصله سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ نیز تعداد ازدواج‌ها به‌طور مستمر اندکی رو به افزایش بوده است.

طبعاً مسئله ازدواج و ابعاد و زوایای تاریخی آن در شهرستان رشت تقریباً از وضعیت کشوری و استانی تبعیت می‌کند، ولی آنچه در سال‌های اخیر در این شهرستان اتفاق افتاده، این است که افزایش رشد شهرنشینی فی‌نفسه باعث ایجاد مشکلاتی در زمینه مسکن، اشتغال و ارتقای سطح توقعات و تحصیلات شده که خود اثرات منفی بر روی میزان ازدواج جوانان در این شهرستان گذاشته است.

آمار و ارقام موجود نشان می‌دهد که در نقاط شهری این شهرستان نسبت مردان هرگز ازدواج

نکرده ۲۰-۲۴ ساله در سال ۱۳۵۵ حدود ۶۰/۵ درصد بوده که در سال ۱۳۶۵ به ۶۷/۱ درصد و در سال ۱۳۷۵ به ۷۵/۵ درصد رسیده است. یعنی در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ در مجموع ۲۸ درصد افزایش داشته است. این نسبت برای زنان در گروه سنی فوق، در سال ۱۳۵۵ حدود ۳۳/۵ درصد بوده که در سال ۱۳۶۵ به ۳۸/۹ درصد و در سال ۱۳۷۵ به ۴۹/۵ درصد رسیده است. بنابراین در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ مجموعاً ۵۲ درصد افزایش را نشان می‌دهد که این افزایش حاکی از مشکلات جدی در زمینه ازدواج و تشکیل خانواده در این شهر است (مرکز آمار ایران ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵).

جدول ۱. درصد تغییرات ازدواج در استان گیلان

سال	تعداد ازدواج	افزایش مطلق	درصد تغییرات
*۱۳۵۵	۱۱۴۸۴	—	—
۱۳۵۷	۱۲۲۱۲	۷۲۸	۶/۳۳
۱۳۵۸	۲۲۷۷۲	۱۰۵۶۰	۸۶/۵
۱۳۵۹	۲۰۳۹۷	-۲۳۷۵	-۱۰/۴
۱۳۶۰	۱۶۱۳۰	-۴۲۶۷	-۲۰/۹
۱۳۶۱	۱۶۶۹۰	-۵۶۰	-۳/۵
۱۳۶۲	۱۷۱۳۲	۴۴۲	۲/۶
۱۳۶۳	۱۵۴۹۸	-۱۶۳۵	-۹/۵
۱۳۶۴	۱۹۵۰۳	۴۰۰۵	۲۵/۸
۱۳۶۵	۱۷۹۳۲	-۱۵۷۱	-۸
۱۳۶۶	۱۷۴۱۸	-۵۱۹	-۲/۹
۱۳۶۷	۱۸۳۱۹	-۹۰۱	-۵/۲
۱۳۶۸	۲۲۰۹۵	۳۷۷۶	۲۰/۶
۱۳۶۹	۲۳۸۶۸	۱۷۷۳	۸
۱۳۷۰	۲۶۴۰۶	۲۵۳۸	۱۰/۶
۱۳۷۱	۲۱۱۲۲	-۵۲۸۴	-۲۰/۱۰
۱۳۷۲	۲۱۵۷۹	۴۵۷	۲/۲
۱۳۷۳	۲۱۳۳۵	۲۴۴	۱/۱
۱۳۷۴	۲۱۷۲۳	۳۸۸	۱/۸
۱۳۷۵	۲۲۲۷۰	۵۴۷	۲/۵

* اطلاعات مربوط به سال ۱۳۵۶ توسط مرکز آمار ایران منتشر نشده است.

ویژگی‌های ازدواج در استان گیلان و شهرستان رشت

۱. پیش‌رسی ازدواج

ازدواج زن و مرد را پیش از سنی که به وسیله قانون، شرع یا عرف برای زناشویی تعیین شده است، ازدواج پیش‌رسی می‌گویند، بنابراین نسبت افرادی که زودتر از سن قانونی ازدواج، تشکیل زندگی زناشویی داده‌اند مشخص‌کننده پیش‌رسی ازدواج است. نسبت زنان ازدواج کرده در گروه سنی ۱۰-۱۴ ساله و نسبت مردان ازدواج کرده در گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله نیز می‌تواند تقریبی از پیش‌رسی ازدواج به دست دهد. با توجه به ناچیز بودن نسبت درصد زنانی که در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ ساله ازدواج کرده گزارش می‌شوند و احتمال کمتر از واقع بودن ارقام گزارش شده معمولاً گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ ساله مبنای بررسی پیش‌رسی ازدواج قرار می‌گیرد (میرزایی ۱۳۸۱: ۸۲)

معمولاً در اغلب جوامع، برای مردان و زنان با توجه به شرایط جسمانی حداقل سن برای ازدواج وجود دارد که ازدواج قبل از رسیدن به آن برای هر دو جنس ممنوع است. طبق قانون مدنی ایران هر دختری که به سن ۱۵ سالگی کامل نرسیده است یا پسری که هنوز ۱۸ سال کامل نداشته باشد حق ازدواج ندارد مگر در مواردی که دادگاه اجازه بدهد (کاظمی‌پور ۱۳۷۱: ۹۲ و ۹۳).

پیش‌رسی ازدواج از ویژگی‌هایی است که ازدواج‌های یک جامعه را از جامعه دیگر متفاوت می‌سازد. در برخی از جوامع، به‌ویژه در جوامع مبتنی بر اقتصاد کشاورزی سنتی، ازدواج زودرس با وجود قوانینی که ممکن است آن را غیرمجاز بشمارند، متداول است.

جدول ۲. درصد ازدواج زنان ۱۰-۱۴ ساله در مناطق شهری و روستایی استان گیلان و شهرستان رشت.

پیش‌رسی ازدواج	سال ۱۳۴۵	سال ۱۳۶۵	سال ۱۳۷۵
شهری	۱/۲۱	۱/۱۴	۰/۸۳
	۲/۳۰	۱/۴۵	۰/۹۶
روستایی	۱/۱۲	۱/۰۱	۰/۷۸
	۱/۱۲	۱/۱۳	۰/۸۸

بررسی‌های انجام گرفته حاکی از آن است که پیش‌رسی ازدواج در جوامع روستایی و عشایری بالاتر از مناطق شهری و در زنان بالاتر از مردان است. در این زمینه می‌توان جنبه‌های بیولوژیک، اعتقادات عرفی و فرهنگی، سلیقه‌های شخصی، عوامل اقتصادی و دستورات دینی را، از جمله

عوامل مؤثر مهم در پیش‌رسی ازدواج خاطر نشان کرد (تقوی ۱۳۷۴: ۱۶۲ و ۱۶۳) از آن‌جا که در اکثر جوامع سنتی، پیش‌رسی ازدواج برای زنان بیشتر از مردان است، بدین جهت اصطلاح فوق بیشتر در مورد زنان به کار می‌رود و از آن تحت عنوان «کودک همسری» نام برده می‌شود (تقوی ۱۳۷۲: ۱۰۰ و ۱۰۱).

جدول شماره ۲ پیش‌رسی ازدواج را در بین زنان نقاط شهری و روستایی در طول سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که با کاهش تدریجی مواجه شده است. این کاهش در نواحی شهری استان در طول سال‌های فوق به ترتیب از رقم ۱/۲۱ و ۱/۱۴ در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۶۵ به ۰/۸۳ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده و در نقاط روستایی استان نیز به ترتیب از ۲/۳۰ و ۱/۴۵ در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۶۵ به ۰/۹۶ درصد در سال ۱۳۷۵ تنزل یافته است. طبق آمار مذکور، پیش‌رسی ازدواج در سال ۱۳۷۵، ۰/۳۸ درصد در نقاط شهری و ۱/۳۴ درصد در نقاط روستایی استان گیلان نسبت به سال ۱۳۴۵ کاهش داشته است.

نقاط روستایی و شهری شهرستان رشت نیز دارای وضعیت مشابهی بوده است. البته روشن است پیش‌رسی ازدواج در نقاط روستایی و شهری شهرستان رشت در مقایسه با نقاط شهری و روستایی استان گیلان کمتر بوده است. پیش‌رسی ازدواج در شهرستان رشت نیز در طول سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ در بین زنان ۱۰ تا ۱۴ ساله در نقاط شهری و روستایی این شهرستان با کاهش تدریجی مواجه بوده است، چنان‌که در نقاط شهری این شهرستان ابتدا از رقم ۱/۱۲ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۱/۰۱ درصد در سال ۱۳۶۵ کاهش یافته است و این کاهش در سال ۱۳۷۵ تا ۰/۷۸ درصد تداوم می‌یابد که در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۴۵ چیزی در حدود ۰/۳۴ درصد تنزل یافته است و در نقاط روستایی این شهرستان از رقم ۱/۱۲ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۱/۱۳ درصد در سال ۱۳۶۵ اندکی افزایش داشته است، ولی در سال ۱۳۷۵ به رقم ۰/۸۸ درصد تنزل می‌یابد که در مقایسه با سال ۱۳۴۵ حدود ۰/۲۴ درصد تقلیل پیدا کرده است. قابل یادآوری است که پیش‌رسی ازدواج در نقاط روستایی استان گیلان و شهرستان رشت نسبت به نقاط شهری استان اندکی بیشتر بوده است.

۲. عمومیت ازدواج

عمومیت ازدواج درجهٔ رواج آن را در جامعه نشان می‌دهد. نسبت افرادی که تا سن ۵۰ سالگی دست‌کم یک‌بار ازدواج کرده‌اند از شاخص‌هایی است که در تعیین عمومیت ازدواج در یک جامعه به کار گرفته می‌شود. معمولاً عمومیت ازدواج در نزد زنان بیش از مردان و در جوامع سنتی بیشتر از جوامع صنعتی است و تحت تأثیر مجموعهٔ پیچیده‌ای از عوامل عقیدتی،

فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی قرار دارد (میرزایی ۱۳۸۱: ۸۴).

برای شناخت عمومیت ازدواج از یک شاخص معین استفاده می‌کنند و آن محاسبه «تجرد قطعی»^۱ است. که برای تشخیص آن، از درصد زنان یا مردان مجرد در سن ۵۰ سالگی استفاده می‌کنند که عکس آن نشان‌دهنده عمومیت ازدواج است (امین‌زاده ۱۳۴۹: ۷۶).

در جوامع با اقتصاد کشاورزی، میزان عمومیت ازدواج بالاتر است. در محیط کشاورزی، زن در امور تولید کشاورزی شرکت و دوشادوش مرد کار می‌کند. در این خانواده مشکل تأمین غذا و مسکن، ازدواج را عقب نمی‌اندازد یا نبودن مسکن و سختی اقتصاد اشتیاق همسر را زایل نمی‌کند. علاوه بر این‌ها، عوامل شرعی و تأثیر سنت‌ها را هم باید به‌خاطر داشت، چه ادیان عموماً، از جمله دین اسلام که در جامعه ما رسوخ کامل دارد، ازدواج را نوعی فریضه تلقی می‌کنند (فرجاد ۱۳۷۲: ۳۳ و ۳۴).

جدول ۳. میزان عمومیت ازدواج در مناطق شهری و روستایی استان گیلان و شهرستان رشت

		۱۳۵۵		۱۳۶۵		۱۳۷۵	
		مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان
عمومیت ازدواج	مناطق شهری	۹۸/۵	۹۹/۱	۹۸/۵	۹۸/۷	۹۸/۸	۹۸/۶
	مناطق روستایی	۹۸/۱	۹۹/۵	۹۹	۹۹/۳	۹۹/۲	۹۹/۵
شهری	مناطق شهری	۹۸/۲	۹۸/۳	۹۸/۳	۹۸/۷	۹۸/۵	۹۸/۳
	مناطق روستایی	۹۹/۳	۹۹/۶	۹۹	۹۹/۵	۹۹	۹۹/۴

تفاوت میزان عمومیت ازدواج از رقم ۱۰۰ میزان تجرد قطعی را بیان می‌کند که در استان گیلان و شهرستان رشت همواره از ۲ درصد کمتر بوده است.

آمار فوق نشان می‌دهد که در طول چند دهه اخیر، عمومیت ازدواج در استان گیلان بیش از ۹۸ درصد بوده است. این نسبت برای مردان در سال ۱۳۷۵ در نقاط شهری استان و شهرستان رشت به ترتیب ۹۸/۸ و ۹۸/۵ درصد و در نقاط روستایی استان گیلان و شهرستان رشت به ترتیب ۹۹/۲ و ۹۹ درصد و در مورد زنان در نقاط شهری استان و شهرستان رشت به ترتیب ۹۸/۶ و ۹۸/۳ و در نقاط روستایی استان گیلان و شهرستان رشت به ترتیب ۹۹/۵ و ۹۹/۴ درصد بوده است. (مرکز آمار ایران ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵). از این رو، عمومیت ازدواج در شهر و روستا در سطح استان و شهرستان رشت اندکی متفاوت است، به طوری که عمومیت ازدواج در میان روستاییان کمی بیش از شهرنشینان و در میان زنان اندکی بیش از مردان بوده است.

1. Celibacy

۳. میانگین سن در اولین ازدواج^۱

الف) زنان: در بررسی و مقایسه میانگین سن در اولین ازدواج به تفکیک جنس در طی سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ مشاهده می‌کنیم که متوسط سن ازدواج زنان به آرامی در حال افزایش است. این شاخص طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ چه در سطح استان و چه در سطح شهرستان رشت دارای سیر صعودی بوده است، به طوری که در سطح استان از رقم ۱۹/۹ در سال ۱۳۳۵ به رقم ۲۲/۷ در سال ۱۳۷۵ و در سطح شهرستان رشت از رقم ۲۰/۶ در سال ۱۳۴۵ به رقم ۲۳/۶ در سال ۱۳۷۵ رسیده که در هر دو مورد حدود ۳ سال افزایش داشته است.

متوسط سن ازدواج زنان اعم از نقاط شهری و روستایی در استان گیلان عموماً و شهرستان رشت خصوصاً در حال افزایش است. به طوری که این رشد در نقاط شهری شهرستان رشت نسبت به نقاط شهری استان اندکی بیشتر است، چنان‌که این رقم در سال ۱۳۷۵ در نقاط شهری استان گیلان ۲۲/۴ سال بوده، در نقاط شهری شهرستان رشت به ۲۳/۲ سال رسیده است که در حدود ۱/۵ سال نسبت به سال ۱۳۶۵ افزایش نشان می‌دهد.

نکته مهمی که در جداول ۴ و ۵ مشاهده می‌شود، این است که در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ متوسط سن ازدواج زنان روستایی استان گیلان و شهرستان رشت نسبت به زنان شهری افزایش داشته است، به طوری که در سال ۱۳۶۵ متوسط سن ازدواج زنان شهری در استان گیلان بالغ بر ۲۱/۷ سال است، در حالی که نقاط روستایی این استان ۲۲/۰۱ سال و در سال ۱۳۷۵ نیز متوسط سن ازدواج زنان شهری استان ۲۲/۴ سال و در بین زنان روستایی ۲۳ سال بوده است. شهرستان رشت نیز در سال ۱۳۷۵ از وضعیت مشابهی برخوردار بوده است. این رقم در بین زنان شهری این شهرستان ۲۳/۲ سال بوده، در حالی که در نقاط روستایی بالغ بر ۲۳/۸ سال است.

ب) مردان: در مورد مردان نیز متوسط سن ازدواج در کل استان و شهرستان رشت با نوساناتی مشاهده می‌شود، چنان‌که ابتدا در استان گیلان در سال ۱۳۴۵ از رقم ۲۴/۹ به رقم ۲۴ در سال ۱۳۵۵ تنزل می‌یابد. ولی مجدداً در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ سیر صعودی پیدا می‌کند و به رقم ۲۴/۳ در سال ۱۳۶۵ و ۲۵/۱ در سال ۱۳۷۵ می‌رسد.

این نوسانات در نقاط شهری و روستایی استان گیلان و در شهرستان رشت نیز مشاهده می‌شود. به طوری که متوسط سن ازدواج در این شهرستان در سال ۱۳۴۵ از رقم ۲۵/۱ سال به رقم ۲۴/۲ و ۲۴ در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ کاهش می‌یابد، ولی مجدداً در سال ۱۳۷۵ به بالاترین رشد خود در طول ۳۰ ساله اخیر یعنی ۲۵/۶ سال می‌رسد.

1. Mean Age at First Marriage

البته چنین وضعیتی در نقاط شهری و روستایی نیز ملاحظه می‌شود، چنان که متوسط سن ازدواج در نقاط شهری شهرستان رشت در سال ۱۳۴۵ از رقم ۲۶/۳ به رقم ۲۶ و ۲۴/۴ در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ تنزل می‌یابد، ولی مجدداً در سال ۱۳۷۵ به رقم ۲۶ سال افزایش می‌یابد.

نقاط روستایی این شهرستان نیز از روند مشابهی برخوردار بوده‌اند به طوری که متوسط سن ازدواج مردان از رقم ۲۴ به ۲۲/۵ سال تنزل می‌یابد، ولی در سال ۱۳۶۵ بار دیگر شاهد افزایش متوسط سن ازدواج مردان روستایی این شهرستان هستیم که برابر با ۲۳/۷ سال است و این رقم همچنان سیر صعودی می‌یابد و به رقم ۲۵/۲ در سال ۱۳۷۵ می‌رسد که چیزی در حدود ۱/۵ سال نسبت به سال ۱۳۶۵ افزایش یافته است (مرکز آمار ایران ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵).

جدول ۴. متوسط سن ازدواج در مناطق شهری و روستایی استان گیلان با روش هاینال^۱

سال	کل استان		مناطق شهری		مناطق روستایی	
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
۱۳۴۵	۲۴/۹	۱۹/۹	۲۶	۲۰/۶	۲۳/۸	۱۹/۲
۱۳۵۵	۲۴	۲۱/۳	۲۵/۵	۲۱/۷	۲۲/۶	۲۱
۱۳۶۵	۲۴/۳	۲۱/۹	۲۴/۶	۲۱/۷	۲۴	۲۲
۱۳۷۵	۲۵/۱	۲۲/۷	۲۵/۵	۲۲/۴	۲۴/۸	۲۳

جدول ۵. متوسط سن ازدواج در مناطق شهری و روستایی شهرستان رشت با روش هاینال

سال	کل استان		مناطق شهری		مناطق روستایی	
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
۱۳۴۵	۲۵/۱	۲۰/۶	۲۶/۳	۲۱/۲	۲۴/۰	۲۰/۰
۱۳۵۵	۲۴/۲	۲۱	۲۶/۰	۲۱/۱	۲۲/۵	۲۰/۹
۱۳۶۵	۲۴	۲۱/۵	۲۴/۴	۲۱/۶	۲۳/۷	۲۱/۳
۱۳۷۵	۲۵/۶	۲۳/۶	۲۶/۰	۲۳/۲	۲۵/۲	۲۳/۸

موانع ازدواج

نتایج داده‌های پیمایشی این پژوهش در شهر رشت در سال ۱۳۷۷ نیز نشان می‌دهد که پاسخگویان (مردان و زنان ۲۵ تا ۳۹ ساله ازدواج نکرده) به لحاظ ذهنی سنین بالاتری را در خصوص سن مطلوب ازدواج پیشنهاد می‌کنند.

به طوری که در جدول شماره ۶ مشاهده می‌شود، ۳۳/۹ درصد مردان و ۵۰ درصد زنان سال‌های زیر ۲۴ سالگی را برای ازدواج مطلوب دانسته‌اند و ۵۴/۴ درصد مردان و ۵۰ درصد زنان نیز ۲۵ تا ۲۹ سالگی را برای ازدواج مناسب شمرده‌اند و تنها ۱۱/۷ درصد مردان به سنین ۳۰ سال و بیشتر اشاره داشته‌اند، در حالی که هیچ یک از دختران این سنین را برای ازدواج جایز شمرده‌اند. یافته‌های فوق نشان می‌دهد که مردان در مقایسه با زنان، سنین بالاتری را جهت ازدواج مطلوب می‌دانند.

جدول ۶. سن مطلوب ازدواج از نظر پاسخگویان به تفکیک جنس

سن مطلوب ازدواج		مرد		زن	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
کمتر از ۲۴ سال		۳۳/۹	۶۱	۴۵	۵۰
۲۵-۲۹ سال		۵۴/۴	۹۸	۴۵	۵۰
۳۰ سال و بیشتر		۱۱/۷	۲۱	—	—
جمع		۱۰۰	۱۸۰	۹۰	۱۰۰

علاوه بر نظر پاسخگویان در مورد سن مطلوب ازدواج، آگاهی آن‌ها از این‌که تا چه اندازه خود را واجد شرایط ازدواج می‌دانند، امری ضروری به نظر می‌رسد. اطلاعات به دست آمده در این خصوص، نشان می‌دهد که ۳۷/۸ درصد مردان و ۷۱/۱ درصد زنان شرایط خود را جهت ازدواج مناسب می‌دانند. در نتیجه، ۶۲/۲ درصد مردان به این سؤال پاسخ منفی داده‌اند و خود را واجد شرایط ازدواج نمی‌دانند. طبعاً عدم احساس واجد شرایط بودن ازدواج از ناحیه مردان، سبب بالا رفتن ازدواج آن‌ها می‌شود و این امر در نهایت بر روی سن ازدواج زنان نیز تأثیر می‌گذارد.

جدول ۷. نظر پاسخگویان در مورد واجد شرایط ازدواج بودن آن‌ها به تفکیک جنس

واجد شرایط ازدواج		مرد		زن	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
بلی		۳۷/۸	۶۸	۶۴	۷۱/۱
خیر		۶۲/۲	۱۱۲	۲۶	۲۸/۹
جمع		۱۰۰	۱۸۰	۹۰	۱۰۰

مسئله دیگری که می‌تواند نحوه نگرش جوانان عموماً و نمونه پژوهشی ما را خصوصاً در مورد ازدواج تحت ارزیابی قرار بدهد، تصمیم به ازدواج است. بر اساس اطلاعات به دست آمده که در جدول شماره ۸ به نمایش گذاشته شده است، پاسخ مثبت زنان در این خصوص ۸۴/۴ درصد است، در حالی که در بین مردان این رقم به ۶۵/۶ درصد می‌رسد و زنان در این خصوص سهم بیشتری را دارند. بنابراین، زنان از احساس آمادگی بیشتری نسبت به مردان جهت ازدواج برخوردارند. این امر به احتمال قوی حاکی از نیاز کمتر زنان برای ورود به بازار کار جهت تأمین مخارج زندگی و مسکن از یک سو و ترس از دست دادن فرصت‌های ازدواج به علت بالا رفتن سن آن‌ها از سوی دیگر است.

جدول ۸. تصمیم به ازدواج از نظر پاسخگویان به تفکیک جنس

تصمیم به ازدواج		مرد		زن	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
بلی	۱۱۸	۶۵/۶	۷۶	۸۴/۴	
خیر	۶۲	۳۴/۳	۱۴	۱۵/۶	
جمع	۱۸۰	۱۰۰	۹۰	۱۰۰	

اگرچه مسائل اقتصادی مانند نحوه امرار معاش و گذران زندگی و داشتن مسکن برای شروع یک زندگی مهم است، اما این عوامل باعث ایجاد موانع مهم‌تر و بزرگتر و در عین حال غیرضروری و کم‌اهمیت می‌شود، به‌طور مثال مسائلی که به عنوان عوامل بازدارنده ازدواج مطرح هستند، چون ادامه تحصیل، میزان مهریه، میزان و نوع جهیزیه، عدم وجود روحیه قناعت و غیره اکنون به صورت پدیده‌های بازدارنده ازدواج در پشت مشکلات اقتصادی قرار دارند و کم‌کم به صورت یک ساختار فرهنگی شکل گرفته‌اند و به یک فرهنگ تبدیل می‌شوند. چنان که در جدول شماره ۹ ملاحظه می‌شود، موانع و مشکلات ابراز شده توسط جوانان شهر رشت پانزده مسئله متفاوت است که به ترتیب اهمیت و اولویت، نتایجی را به شرح زیر به دست می‌دهد:

در بین مردان، نداشتن شغل مناسب با ۸۶/۶ امتیاز و در بین زنان نیافتن همسر دلخواه با ۴۰/۵ امتیاز در مقایسه با سایر مشکلات، در درجه اول اهمیت قرار دارند. به‌علاوه، عدم دستیابی به همسر دلخواه احتمالاً ناشی از عدم تحرک اجتماعی زنان و نیز عدم تناسب ارزش‌های مادی در مبادله ازدواج در سطح زنان در مقایسه با مردان است. از سوی دیگر، فقدان درآمد کافی در بین مردان و نداشتن شغل مناسب در بین زنان در درجه دوم اهمیت

قرار دارد. بالا بودن هزینه ازدواج (مخارج برگزاری جشن و مقدمات آن) در بین مردان و مرد بودن در تصمیم‌گیری در میان زنان در درجه سوم اهمیت قرار دارد. همچنین مشکل مسکن در بین مردان و بالا بودن هزینه ازدواج در میان زنان در درجه چهارم اهمیت قرار دارد و در نهایت نیافتن همسر دلخواه در بین مردان و نداشتن درآمد کافی در میان زنان در درجه پنجم اهمیت قرار دارد. مواردی مانند نداشتن قدرت ابراز علاقه به دیگران، مشکلات تحصیلی، بالا بودن سطح توقعات خانواده‌ها، عدم حمایت دولت، دخالت خانواده‌ها، بالا بودن میزان جهیزیه، بالا بودن مهریه و سطح انتظار زوج‌ها، داشتن برادران و خواهران بزرگ‌تر مجرد، در مجموع اولویت ششم تا پانزدهم را تشکیل می‌دهند.

جدول ۹. درجه‌بندی موانع ازدواج با توجه به اهمیت آن‌ها از نظر پاسخگویان مرد و زن

امتیازات		نوع مشکلات	امتیازات		نوع مشکلات
مرد	زن		مرد	زن	
۷/۴	۰/۷۳	داشتن برادر و خواهر بزرگتر مجرد	۸۶/۶	۲۹/۵	نداشتن شغل مناسب
۷/۱	۴/۳	بالا بودن سطح انتظار زوجین	۷۹/۵	۹/۸	فقدان مسکن
۷/۶	۱/۴۱	بالا بودن مهریه	۵۳/۳	۱۳/۰۱	نداشتن درآمد کافی
۵/۶	۵/۸	بالا بودن جهیزیه	۵۲/۱	۱۴/۴	بالا بودن هزینه ازدواج
۴/۵	۴/۸	نداشتن قدرت ابراز علاقه	۲۹/۶	۴۰/۵	نیافتن همسر دلخواه
۱۰/۷	۱۵/۴	مرد بودن در تصمیم‌گیری	۱۵/۶	۵/۶	بالا بودن توقعات خانواده‌ها
۱۵/۱	۶/۸	مشکلات تحصیلی	۷/۷	۶/۱	دخالت والدین
			۱۲/۸	۵/۴	عدم حمایت دولت

چنان‌که ملاحظه می‌شود، یکی از موانع ازدواج از نظر پاسخگویان بالا بودن سطح توقعات است. جهت سنجش این مسئله آن را به شاخص‌هایی چون داشتن مسکن مستقل، توان پرداخت اجاره مسکن، شغل پردرآمد، داشتن وسیله نقلیه، تحصیلات بالا و غیره تبدیل کردیم که نتایج آن به این قرار است. توقعات مردان به ترتیب اهمیت عبارتند از:

۱. مسکن مستقل
 ۲. شغل پردرآمد
 ۳. توان پرداخت اجاره مسکن
 ۴. تحصیلات بالا
 ۵. وسیله نقلیه
- در حالی که توقعات زنان به ترتیب اهمیت عبارتند از:
۱. توان پرداخت اجاره مسکن
 ۲. تحصیلات بالا
 ۳. مسکن مستقل
 ۴. شغل پردرآمد
 ۵. داشتن وسیله نقلیه
- در خصوص معیارهای اصلی ازدواج نیز اطلاعات به دست آمده در نمونه تحت مطالعه، در میان مردان به ترتیب اهمیت عبارتند از:
۱. تفاهم اخلاقی
 ۲. اصالت خانوادگی
 ۳. شخصیت اجتماعی
 ۴. پایبندی به اصول

اعتقادی ۵. زیبایی. این معیارها در بین زنان نیز از لحاظ سطح درجه‌بندی از وضعیت مشابهی برخوردارند. به طوری که معیارهای بااهمیت برای آن‌ها عبارتند از:
 ۱. تفاهم اخلاقی ۲. اصالت خانوادگی ۳. پایبندی به اصول اعتقادی ۵. وضع اقتصادی خوب.

در خصوص ویژگی‌های همسر دلخواه اطلاعاتی از پاسخگویان اخذ شده است که نتایج آن با درجه‌بندی امتیازات داده شده به تفکیک جنسیت در جدول شماره ۱۰ ملاحظه می‌شود:

جدول ۱۰. درجه‌بندی ویژگی‌ها و ملاک‌های همسر دلخواه از نظر پاسخگویان با توجه به امتیازات داده شده به تفکیک جنس

امتیازات		ملاک‌های همسر دلخواه	امتیازات		ملاک‌های همسر دلخواه
زن	مرد		زن	مرد	
۱۲	۲۰/۶	میزان تحصیلات	۴۶/۳	۱۰/۱/۳	اصالت خانواده
۲۲/۱۵	۳۶/۱	پایبندی به اصول اعتقادی	۴۷	۱۰/۱/۸	تفاهم اخلاقی
۵/۲	۱۳/۵۱	حمایت و رضایت خانواده	۱۳/۱	۲۵/۹	تفاوت سنی مناسب
—	۱۳/۵	خانه‌دار بودن	۱۳/۵۹	۱۳/۲	وضع اقتصادی خوب
۱۱/۶۳	۶/۸	شاغل بودن	۲۸/۰۱	۴۴/۶	شخصیت اجتماعی
۸/۸	۲۷/۹	توافق فکری	۹/۴	۱۰/۰۴	عدم مصرف سیگار
			۲/۹	۲۸/۱	زیبایی

بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهادهای راهبردی

عمده‌ترین ویژگی‌های ازدواج، پیش‌رسی، عمومیت و سن ازدواج است. ویژگی‌های مزبور را نباید به صورت انتزاعی مطرح کرد، بلکه باید آن را به صورت انضمامی^۱ و در ارتباط با ساختار اجتماعی جامعه در نظر گرفت. از منظر جامعه‌شناسی خانواده، عمومیت و پیش‌رسی ازدواج تابعی از سطح رشد و توسعه هر جامعه است، به نحوی که شاخص‌ها و ویژگی‌های مزبور در جوامع سنتی نسبت به جوامع صنعتی، در جوامع توسعه‌نیافته نسبت به جوامع توسعه‌یافته و همچنین در جوامع روستایی در مقایسه با جوامع شهری بیشتر است.

این امر در سطح استان گیلان و شهرستان رشت نیز صادق است. به طوری که شاهد کاهش پیش‌رسی ازدواج در سال ۱۳۴۵ (۱/۷۵) نسبت به سال ۱۳۷۵ (۰/۸۹) هستیم. همچنین پیش‌رسی ازدواج در نقاط شهری استان (۰/۸۳ درصد) در مقایسه با نقاط روستایی (۰/۹۶

1. Concrete

درصد) با کاهش مواجه است. یکی دیگر از ویژگی‌های بارز ازدواج در استان گیلان و شهرستان رشت عمومیت ازدواج است، به طوری که بیش از ۹۸ درصد در مناطق شهری و بیش از ۹۹ درصد افراد در نقاط روستایی استان و شهرستان رشت ازدواج کرده‌اند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد وقوع حوادث و تحولات در چند دهه اخیر در کشور و استان گیلان تأثیرات مختلفی بر روی میزان ازدواج در سطح استان گذاشته باشد، به طوری که درصد تغییرات ازدواج در استان گیلان در سال ۱۳۵۸ که مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی بوده چیزی در حدود ۸۶/۵ درصد است همچنین با وقوع جنگ تحمیلی دوباره شاهد کاهش میزان ازدواج در سطح استان گیلان هستیم. به طوری که درصد تغییرات ازدواج در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ روندی رو به کاهش را نشان می‌دهد. این مقدار در سال‌های مزبور به ترتیب، ۱۰/۴- و ۲۰/۹- بوده است. با پایان جنگ تحمیلی، در سال ۱۳۶۷، دوباره شاهد افزایش میزان ازدواج در سطح استان هستیم، درصد تغییرات ازدواج در سال ۱۳۶۸ نسبت به سال ۱۳۶۷، ۲۰/۶ درصد بوده است. همچنین در سال ۱۳۷۱ شاهد کاهش میزان ازدواج در استان هستیم که این امر به نظر می‌رسد ناشی از تأثیر زلزله سال ۱۳۶۹ در استان گیلان باشد. همچنین بهبود نسبی در سال‌های بعد نیز مشاهده می‌شود که می‌توان گفت این بهبودها ناشی از برنامه‌سازی دولتی و رونق اقتصادی نسبی کشور باشد. به علاوه، متوسط سن ازدواج در سطح استان در گروه مردان با نوساناتی از ۲۴/۹ در سال ۱۳۴۵ به ۲۵/۱ در سال ۱۳۷۵ و در زنان نیز به ترتیب از ۱۹/۹ به ۲۲/۷ افزایش یافته است. در سطح شهرستان رشت نیز در فاصله سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ متوسط سن ازدواج مردان با نوساناتی از ۲۵/۱ به ۲۵/۶ سال و برای زنان به ترتیب از ۲۰/۶ به ۲۳/۶ سال افزایش یافته است. در این رابطه، افزایش سن متوسط ازدواج در بین زنان بیش از مردان و در طول دوره سی ساله ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ دوره استمرار داشته است، به طوری که این افزایش به حدود ۳ سال بالغ می‌گردد.

چنان که در جدول شماره ۹ نشان داده شده است عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روانی مجموعه عواملی هستند که در ایجاد موانع و مشکلات ازدواج نقش دارند. اگرچه عوامل اقتصادی مانند مشکل اشتغال، نداشتن مسکن، نداشتن درآمد کافی، هزینه بالای ازدواج و نظایر آن عوامل بسیار مؤثری در امر ازدواج هستند، اما مسلماً تغییر در سن ازدواج جوانان همچون تمامی پدیده‌ها و مسائل اجتماعی دارای یک علت واحد نیست بلکه دسته‌ای از عوامل در بروز این امور دخالت دارند، لذا نتایج به دست آمده و یافته‌های پژوهشی مطرح شده در مقاله حاضر، ما را از تک علت‌بینی اقتصادی که تنها شرایط و عوامل اقتصادی را تبیین‌کننده مشکلات فعلی ازدواج جوانان تلقی می‌کند، بر حذر می‌دارد. اگرچه عوامل اقتصادی عاملی عمده و مهم در

تأخیر ازدواج جوانان تلقی می‌شود، اما عوامل اجتماعی، فرهنگی و روانی نیز به عنوان عوامل مؤثر در این خصوص قابل بحث و بررسی است. در نمونه تحت مطالعه این پژوهش اولویت عوامل مختلف نزد پسران و دختران متفاوت است. به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که مشکلات ازدواج در بین پسران بیشتر جنبه عینی و واقعی دارد، در حالی که این امر در بین دختران غالباً از جنبه ذهنی برخوردار است. این امر به دلیل این‌که در جامعه ما مردان عرفاً و قانوناً عهده‌دار مسئولیت اقتصادی خانواده هستند، طبیعی به نظر می‌رسد، بنابراین، بر اساس تئوری کارکردی، عدم توازن در بلوغ اقتصادی و بلوغ جنسی باعث مسئله اجتماعی مزبور (تأخیر در سن ازدواج) در ایران شده است. به علاوه، از آن‌جا که در جامعه ایران پسران از دختران خواستگاری می‌کنند، پس ابتکار عمل بیشتری به دست پسران است و این به نوبه خود بر سن ازدواج دختران نیز تأثیر می‌گذارد.

پاسخ‌های ارائه شده درباره معیارهای انتخاب همسر، ما را به نکات و نتایج دقیق و ارزشمندی می‌رساند. در این خصوص زنان و مردان، صفات و ویژگی‌هایی را ترجیح می‌دهند که بیشتر جنبه معنوی و فرهنگی دارند. تفاهم اخلاقی، اصالت خانوادگی، شخصیت اجتماعی و پایبندی به اصول اعتقادی به عنوان مهم‌ترین معیارهای انتخاب همسر مؤید این امر است. جالب توجه است که معیارها و عوامل مذکور در بین زنان و مردان از اهمیت و اولویت یکسانی برخوردار هستند. اگرچه زیبایی پنجمین ملاک در بین مردان است، اما در بین زنان این امر در رده آخر قرار دارد. افزون بر این، عامل پنجم نزد زنان وضع اقتصادی خوب است، حال آنکه این امر در بین مردان در مرتبه یازدهم قرار دارد.

با توجه به دیدگاه پارسونزی، انتخاب عامل اقتصادی توسط زنان امری طبیعی به نظر می‌رسد و به علت نقش ابزاری^۱ مردان است که مطابق قانون عرف در جامعه ایران عهده‌دار هزینه زندگی خانواده هستند. یکی از کارکردهای مخفی آموزش و پرورش، به‌ویژه در مقاطع بالا افزایش سن ازدواج است، چنان‌که ۸۳ درصد از جوانان مورد مطالعه دارای تحصیلات متوسط و عالی و تنها ۱۷ درصد آن‌ها دارای تحصیلات پایین هستند. همان‌طور که خود پاسخگویان نیز اشاره کرده‌اند، یکی از موانع ازدواج، ادامه تحصیلات عالی است. از سوی دیگر، عدم تناسب و تطابق این آموزش‌ها با نیازهای اجتماعی منجر به بیکاری تحصیلکرده‌ها می‌شود یا این‌که شغل نامناسب پس از مدتی بیکاری و بلا تکلیفی و عدم کفایت حقوق دریافتی از این شغل در هر دو صورت جوانان را در انجام ازدواج با مشکل مواجه می‌سازد.

1. Instrumental role

بنابراین، عدم تناسب نظام آموزشی با نیازهای اجتماعی می‌تواند بر شدت مشکل ازدواج جوانان در جامعه بیفزاید، به طوری که خیل تحصیلکرده‌های بیکار را در جامعه در پی خواهد داشت. علاوه بر این امر، اغلب افراد شاغل به کار، نوع شغل و تخصص‌شان با هم همخوانی ندارد، از این رو درآمد کافی جهت تشکیل یک زندگی مستقل از شغل خود کسب نمی‌شوند. مضافاً این‌که، چون تحصیلکرده‌ها عمدتاً در بخش دولتی شاغل می‌شوند و درآمد بخش دولتی کم است، بنابراین حتی پس از به دست آوردن شغل نیز قادر به تشکیل خانواده نمی‌کنند. حتی کسانی هم که نوع شغل با تخصص‌شان همخوانی دارد باز هم استطاعت اقتصادی لازم را برای ازدواج ندارند، مگر این‌که از طرف خانواده مورد حمایت واقع شوند. در هر صورت، جوانان با مشکل ازدواج مواجه و در نتیجه از ساز و کار لازم جهت تشکیل یک زندگی مشترک و مستقل برخوردار نیستند.

در جوامع در حال توسعه از جمله جامعه ایران، افزایش نرخ جمعیت و مهاجرت و گسترش شهرها از یک سو و عدم رشد صنعت به موازات آن از سوی دیگر باعث می‌شود که افراد و خانواده‌های شهری عمدتاً در گمنامی و بی‌نامی زندگی کنند، در نتیجه روابط متقابل اجتماعی گرم و صمیمانه جوامع سنتی گذشته تبدیل به روابط صوری و سطحی می‌شود، بنابراین شهروندان شناخت کافی و اعتماد متقابل لازم را نسبت به یکدیگر ندارند. از این رو، در جریان ازدواج و زناشویی، مهریه‌های سنگین و گزاف و مخارج بالای عقد و عروسی از طرف خانواده دختر برای ایجاد تضمین جهت ادامه زندگی مشترک رایج می‌شود. این امر متأسفانه در جامعه ایران به یک عادت اجتماعی تفاخرآمیز تبدیل شده است و روزبه‌روز بر عمق و شدت آن افزوده می‌شود. از سوی دیگر، تهیه جهیزیه‌های سنگین و پرهزینه جهت برابری کردن با میزان مهریه‌های بالا برای خانواده دختر ضرورت می‌یابد. اما تحمل و پرداخت این مخارج و هزینه‌ها برای جوانان بیکار و یا شاغل به کار به دلیل پایین بودن میزان درآمد امکان‌پذیر نیست، لذا امر ازدواج با مشکل و تأخیر مواجه می‌شود.

با توجه به یافته‌ها و نتایج مطرح شده، پیشنهادهای عملی زیر ارائه می‌شود:

۱. برنامه‌های اجتماعی-اقتصادی مناسب جهت رشد و توسعه زمینه‌های اجتماعی و صنعتی طرح شود تا فرصت‌های شغلی بیشتری در جامعه ایجاد شود. در این رابطه، فعال کردن سرمایه‌های سرگردان بخش خصوصی نقش مهمی می‌تواند داشته باشد.
۲. دولت با ساخت و ارائه آپارتمان‌های کوچک به جوانان داوطلب زناشویی در مقابل دریافت اجاره‌بهای پایین می‌تواند قسمت عمده‌ای از مشکل ازدواج جوانان را مرتفع نماید.

۳. هماهنگ کردن رشته‌های تحصیلی در مقاطع متوسطه و دانشگاهی با نیازهای درون‌زای اجتماعی.
۴. فعال کردن بخش‌های حرفه‌آموزی برای جوانان، به‌ویژه در جریان خدمت وظیفه عمومی.
۵. آموزش عمومی از طریق رسانه‌های جمعی و فرهنگ‌سازی در خصوص پایین آوردن توقعات خانواده‌ها و جوانان جهت کاهش میزان مهریه و جهیزیه و مخارج عقد و عروسی.
۶. زمینه‌سازی جهت آشنایی و شناخت بیشتر خانواده‌ها و جوانان قبل از ازدواج جهت ایجاد اعتماد متقابل و در نتیجه تسهیل امر ازدواج و کاهش میزان مهریه، جهیزیه و هزینه‌های عقد و عروسی.

منابع

- اصلاح عربانی، ابراهیم (۱۳۷۴) کتاب گیلان، تهران، انتشارات گروه پژوهشگران ایران، چاپ اول، جلد سوم.
- امین‌زاده، فرخ (۱۳۴۹) جمعیت‌شناسی، تهران، انتشارات ابوریحان بیرونی، جلد اول.
- بهنام، جمشید (۱۳۴۸) جمعیت‌شناسی عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- بودون، ریمون (۱۳۷۰) منطق اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، انتشارات جاویدان چاپ دوم تهران.
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۷۴) جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات دانشگاه پیام‌نور، تهران.
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۷۲) مبانی جمعیت‌شناسی، تهران، انتشارات دنیا، چاپ دوم.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۴) جامعه روستایی و نیازهای آن: پژوهشی در ۳۲ روستای برگزیده استان یزد. شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، تهران.
- زنجانی، حبیب‌اله (۱۳۸۰) «تحول جمعیتی و پیامدهای مسئله‌آفرین آن»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ویژه‌نامه دومین همایش مسایل اجتماعی ایران، شماره ۵، صص ۱۱-۲۲.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۳) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران، انتشارات سروش.
- سگالن، مارتین (۱۳۷۳) جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران، نشر مرکز.
- سیف، احمد (۱۳۷۳) اقتصاد ایران، تهران، نشر چشمه، چاپ اول.
- صدیق اورعی، غلامرضا (۱۳۷۴) جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، مشهد.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۷۷) روش‌های مقدماتی تحلیل جمعیت، دانشگاه پیام‌نور، انتشارات دانشگاه پیام‌نور، چاپ ششم.
- کیوی، ریمون (۱۳۷۰) روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، نشر فرهنگ معاصر.
- فرجاد، محمد حسین (۱۳۷۲) آسیب‌شناسی اجتماعی ستیزه‌های خانواده و طلاق، تهران، نشر منصور، چاپ اول.

- مرکز آمار ایران، (۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵) آمارنامه‌های استان گیلان، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵) نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان گیلان، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵) نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان رشت، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۶۸) جامعه‌شناسی عمومی، انتشارات طهوری، تهران، چاپ نهم.
- میرابوالقاسمی، سید محمدتقی (۱۳۵۱) سرزمین و مردم گیل و دیلم، رشت، انتشارات طاعتی.
- میرزایی، محمد (۱۳۸۴) «طرحی از مسائل اجتماعی با تأکید بر مسئله طلاق و روند تغییرات آن در ایران»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴، صص ۱۱-۲۴.
- میرزایی، محمد (۱۳۸۱) گفتاری در باب جمعیت‌شناسی کاربردی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول.
- Ackerman, Nathan (1927) *Marriage for and Against*, New York, Hart Publishing co.
- Casey, James (1989) *The History of the Family*, Oxford, Basial Black Well.